

## اخبار و گزارش های کارگری 26 اردیبهشت ماه 1405

جنگ و جنگ افروزی، کشتار انسان ها، خانه خرابی و ویرانی، آوارگی و بیکاری نه

صلح، کار و آبادانی آری

افزایش بودجه نظامی و کاهش بودجه خدمات عمومی، خصوصی سازی آموزش و درمان، ریاضت اقتصادی، کاهش قدرت خرید، حقوق بخورونمیر و افزایش فقر نه

آموزش و درمان رایگان و حقوق متناسب با هزینه های زندگی و حفظ کرامت انسانی آری

اعدام، زندان و شکنجه؛ آزار و اذیت در خیابان، محل کار و زندگی؛ سانسور و قطع سراسری اینترنت جهانی؛ تبعیض و اینترنت طبقاتی نه

آزادی عقیده، بیان، تشکل و تجمع و سبک زندگی و اینترنت و ارتباط جهانی برای همه آری

حکومت های دیکتاتوری و ضد کارگری، حکومت اسلامی ایران نه

دموکراسی و عدالت اجتماعی آری

- تجمعات اعتراضی کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد منطقه ماهشهر نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل اداره کار و دادسرای بندرامام و فرمانداری ماهشهر

- بازنشستگان راهی جز اعتراض ندارند!

- وزارت کار یا وزارت کارفرمایان؛ بیمه بیکاری و عده ای روی هوا

- محکومیت امیر رحیمی فرهنگی با سابقه ازنا به 4 سال حبس تعزیری

- تداوم بازداشت و بی خبری از وضعیت امیرحسین رضایی

- نت پلاکس : قطعی اینترنت همچنان در حال فرسایش حقوق بشر، اقتصاد و آزادی های اساسی در مقیاسی گسترده در ایران

\*\*\*\*\*

\*تجمعات اعتراضی کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد منطقه ماهشهر نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل اداره کار و دادسرای بندرامام و فرمانداری ماهشهر

روزشنبه 26 اردیبهشت، جمعی از کارگران اخراجی پتروشیمی پتروناد منطقه ماهشهر برای انعکاس صدای اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل دادسرای عمومی بندرامام تجمع کردند و خواستار بازگشت بکار شدند.

این کارگران حق طلب برای اعتراض به اخراج 200 کارگر طی روز های گذشته مقابل اداره کار بندرامام و فرمانداری ماهشهر دست به تجمع زده بودند.



یکی از کارگران اخراجی این مجموعه با بیان اینکه دو سال در پتروناد به عنوان استادکار فیتزر در پروژه‌ها فعال بوده، به خبرنگار رسانه ای گفت: ما سال‌ها در مجموعه پتروناد که مواد اولیه پتروشیمی مخصوص دارو و برخی صنایع دیگر را تولید می‌کند، فعال بودیم. قرار بوده که از ابتدای سال مجموعه برای فازهای مختلف خود نیرو بگیرد و به سر کار برویم. پس از تعطیلات سال جدید، کار در این مجموعه شروع شد اما همزمان کارگران بومی منطقه که بیش از 200 نفر بودند، از مجموعه اخراج شدند و ظاهراً نیروی کار غیر بومی جذب مجموعه شد.

وی افزود: این دویست نفر بیکار شده، اغلب متاهل و صاحب فرزند هستند و با امید به تداوم کار، اقدام به اخذ وام کرده‌اند. ما باوجود اینکه نیروی پروژه‌ای بودیم، با امید به اینکه این واحد در طول جنگ اخیر هیچ آسیبی ندیده و پروژه‌های آن برقرار است، برای زندگی‌مان برنامه‌ریزی کرده بودیم. اما حالا همگی اخراج شدیم.

این کارگر اخراجی ادامه داد: بسیاری از نیروها از جمله بنده، بیش از دو سال سابقه کار در این شرکت داشتیم و برخی استادکاران فیتزر، سیویل، جوشکار و مونتاژکار، سابقه بیشتری نیز دارند.

او با اشاره به اینکه شرکت پتروناد در حال توسعه و در حال تبدیل به هفت واحد است و ما کارگران سازنده آن هفت واحد بودیم، گفت: نیروهای جدید غیربومی در این مجموعه اضافه شدند. ما همه ایرانی هستیم و با نیروی کار غیربومی مشکلی نداریم، اما چرا ما که سال‌ها خاک پروژه‌های پتروناد را خوردیم و سابقه و تجربه داریم، باید بیکار شویم!؟

### **\*بازنشستگان راهی جز اعتراض ندارند!**

علی نجاتی، فعال کارگری و کارگر بازنشسته نیشکر هفت‌تپه، در اظهاراتی درباره وضعیت معیشتی بازنشستگان و کارگران، شرایط اقتصادی امروز را برای مزدبگیران «سخت و نگران‌کننده» توصیف کرد.

او در گفتگو با وبسایت «قلمرو رفاه» تأکید کرده است که نه تنها بازنشستگان، بلکه کارگران، معلمان و کارمندان نیز با توجه به افزایش هزینه‌های زندگی، در وضعیت دشواری قرار دارند.

نجاتی با اشاره به رشد قیمت کالاهای اساسی، هزینه‌های درمان و مسکن، این شرایط را «اسفبار» توصیف کرده و گفته است که دستمزدها در برابر تورم موجود توان پاسخگویی ندارند.

به گفته او، بازنشستگان تأمین اجتماعی در سال‌های گذشته بارها نسبت به این وضعیت اعتراض کرده‌اند، اما به اعتقادش «صدای آنان از سوی مسئولان شنیده نشده است.»

این فعال کارگری حداقل دستمزد ماهانه حدود ۱۶ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان را — که با مزایا تا حدود ۲۳ میلیون تومان می‌رسد — «زیر خط فقر» دانسته و بر ناکافی بودن آن برای تأمین هزینه‌های زندگی تأکید کرده است.

نجاتی همچنین با اشاره به مشکلات ساختاری در سازمان تأمین اجتماعی گفته است که بدهی‌های سنگین دولت، کمبود منابع و کاهش ورودی صندوق به دلیل تعطیلی یا رکود برخی واحدهای تولیدی، فشار مضاعفی بر این نهاد وارد کرده است.

او در ادامه تأکید کرده است: «تنها راه پیش روی بازنشستگان اعتراض است.» به گفته او، اگرچه در شرایط فعلی تلاش‌هایی برای پیگیری مطالبات از طریق گفت‌وگو با مسئولان در جریان است، اما در صورت بی‌نتیجه ماندن این روند، بازنشستگان ممکن است بار دیگر مطالبات خود را از طریق جمعاعات خیابانی پیگیری کنند.

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵

برگرفته از کانال سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

### \*وزارت کار یا وزارت کارفرمایان؛ بیمه بیکاری و عده‌ای روی هوا

از کار بیکارم کردند، با هزار امید آمدم تا دست‌کم بیمه بیکاری‌ام برقرار شود و شرمنده صاحب‌خانه نشم. تو این مدت هر چه گشتم کار پیدا نکردم، حالا هم که اینجا آمدم، بعد یک ماه هنوز می‌گن در دست بررسی‌ست...

بنا به گزارش 26 اردیبهشت خبرنگار رسانه‌ای، در روزهایی که سایه سنگین بیکاری بیش از هر زمان دیگری بر سر سفره‌های کارگران سنگینی می‌کند، برای درک واقعیت آنچه در زیر پوست آمارهای رسمی می‌گذرد، راهی واحد شمال‌شرق اداره کار تهران شدیم. جایی که قرار است پناهگاه کسانی باشد که نانشان را از دست داده‌اند، اما گویا در اینجا هم «در بر همان پاشنه همیشگی می‌چرخد».

دری که به روی کارگر بسته است

نخستین مواجهه با اداره، نمادین به نظر می‌رسد؛ در اصلی ورودی بسته است و مراجعان باید از دری کوچک و جنبی وارد شوند. در بدو ورود، فضا نه آنقدر شلوغ است که جای سوزن انداختن

باشد و نه آنقدر خلوت که بشود گفت سوت و کور است. اما این خلوتی نسبی، نشانه بهبود اوضاع نیست؛ بلکه حکایت از سیستمی دارد که صف‌های طولانی خود را از کف راهروها به فضای مجازی کوچانده است. اینجا تنها کسانی حضور دارند که در پیچ‌وخم‌های «سیستم اینترنتی» در مانده‌اند یا برای پیگیری شکایت‌هایی آمده‌اند که گویی در زمان متوقف شده است.

شکایت‌هایی که در بایگانی خاک می‌خورند

در واحد پیگیری شکایات، چهره‌های مستأصل، راوی قصه‌های مشابهی هستند. کارگرانی که از اسفندماه سال گذشته درخواست خود را ثبت کرده‌اند، حالا با درهای بسته روبه‌رو شده‌اند؛ جلساتشان به بهانه‌های مختلف لغو شده و حتی کسانی که پیش از دی‌ماه شکایت کرده و نیمی از مسیر را رفته بودند، حالا به آن‌ها گفته شده که باید همه چیز را از صفر شروع کنند.

یکی از کارگران با چشمانی خسته می‌گوید: «ماه‌هاست پله‌های این اداره را بالا و پایین می‌کنم. یک بار گفتند سایت هک شده و اطلاعات پریده، بار دیگر شرایط جنگی و حساس کشور را بهانه کردند. انگار تنها چیزی که در این میان اهمیت ندارد، عمر و معیشت ماست که در این رفت‌وآمدهای بی‌حاصل دود می‌شود.»

بیمه بیکاری؛ وعده‌ای روی هوا

بخش بیمه بیکاری، مقصد بعدی ماست. اینجا داغ بیکارشدگان تازه‌تر است. مراجعانی را دیدیم که از 26 فروردین‌ماه درخواست خود را ثبت کرده‌اند و با گذشت هفته‌ها، هنوز پرونده‌شان در وضعیت «در دست بررسی» باقی مانده است.

مردی که اجاره‌خانه‌اش چندین ماه عقب افتاده، با لحنی که آمیزه‌ای از خشم و درماندگی است، می‌گوید: «از کار بیکارم کردند، با هزار امید آمدم تا دست‌کم بیمه بیکاری‌ام برقرار شود و شرم‌نده صاحب‌خانه نشم. تو این مدت هر چه گشتم کار پیدا نکردم، حالا هم که اینجا آمدم، بعد یک ماه هنوز می‌گن در دست بررسی‌ست.»

در گوشه‌ای کنار ساختمان اداره کار، «احمد» را می‌بینم. کارگری که 15 سال از بهترین سال‌های عمرش را در یک کارخانه سپری کرده است. او می‌گوید: «بعد از 15 سال، کارفرما خیلی راحت گفت به مشکل خورده‌ایم؛ جوان‌ترها را نگه می‌داریم و شما که سن‌تان بالا رفته را نمی‌خواهیم. من جوانی‌ام را پای آن چرخ‌دنده‌ها گذاشتم، حالا که باید حمایت شوم، یک ماه است برای بیمه بیکاری می‌دوم و هنوز جوابی نگرفتم.»

تلاش در میانه ویرانی؛ کارمندانی که قربانی ساختارند

پیش از آنکه بخواهیم نوک پیکان انتقاد را به سمت میزهای خدمت بگیریم، باید از وجدان بیدار کارمندانی بگوئیم که در همین واحد بیمه بیکاری مشغول به کارند.

اینجا با کارمندانی شریف روبرو شدیم که با وجود فشار عصبی ناشی از مواجهه با صدها آدم مستأصل، همچنان با سعه صدر سعی می‌کردند تا گرهی از کار مردم باز کنند. اما حقیقت تلخ اینجاست که این افراد خود نیز قربانی ساختاری فرسوده هستند.

طبق اطلاعات به دست آمده از منابعی خارج از این واحد اداره کار، تنها در واحد شمال شرق تهران، در فروردین ماه روزانه بین 500 تا 600 درخواست بیمه بیکاری ثبت شده است. این در حالی است که کل پرسنل این واحد تنها 4 نفر هستند! روشن است که حتی اگر این 4 نفر شریف، تمام 24 ساعت شبانه روز را هم کار کنند، زیر آوار این حجم از تقاضا دفن خواهند شد. آمارهایی که به دست ما رسیده نشان می‌دهد این موج در اردیبهشت ماه به 300 تا 400 درخواست در روز رسیده است؛ رقمی که با توان انسانی این اداره، هیچ تناسبی ندارد.

نتیجه‌گیری: وزارت کار یا وزارت کارفرمایان؟

وضعیت واحد شمال شرق، مشتی نمونه خروار و آینه‌ای از تمام واحدهای اداره کار در سطح تهران است. اگر فقط در این واحد روزانه بین 300 تا 600 درخواست داشته باشیم، یعنی در دو ماه اخیر با لشکری 20 تا 30 هزار نفره از بیکاران جدید فقط در یک منطقه روبرو بوده‌ایم.

اما پرسش اصلی اینجاست: در اوج دوران جنگی و شرایط حساسی که تمام تریبون‌ها از لزوم «اتحاد ملی» و «همبستگی» سخن می‌گویند، چگونه است که کارفرمایان این چنین بی‌محابا و در تیراژ بالا، کارگران را اخراج و به امان خدا رها کرده‌اند؟ آیا «اتحاد» فقط برای کارگر است که باید صبوری کند، یا برای مدیران دولتی که فقط شعار بدهند؟ دولت دقیقاً کجای این ماجراست؟ وظیفه نظارتی وزارت کار به چه کار می‌آید وقتی کارفرما در بحرانی‌ترین شرایط کشور، نان کارگر باسابقه را می‌برد و آب از آب تکان نمی‌خورد؟

#### **\*محکومیت امیر رحیمی فرهنگی باسابقه ازنا به 4 سال حبس تعزیری**

بر اساس گزارش‌های دریافتی کانل شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، دادگاه تجدیدنظر آقای امیر رحیمی، فرهنگی آموزش و پرورش، مدیر-آموزگار شهرستان ازنا و دارای ۳۴ سال سابقه خدمت، بدون حضور ایشان و بدون اطلاع‌رسانی به خانواده و وکیل وی برگزار شده است. نتیجه این دادگاه امروز شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۵ به وکیل ایشان ابلاغ شد و بر اساس آن، حکم نهایی به چهار سال حبس تعزیری تغییر یافته است.

آقای امیر رحیمی در تاریخ ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۴، یک روز پس از اعتراضات در شهرستان ازنا، در حالی که بنا بر گزارش‌ها برای حمایت از یکی از دانش‌آموزان خود اقدام کرده بود، توسط نیروهای یگان ویژه مورد ضرب و شتم قرار گرفت. خودروی شخصی وی نیز آسیب دید و سپس به زندان دورود منتقل شد.

این معلم با سابقه از معلولیت شدید در هر دو پا رنج می‌برد. پزشک زندان تاکنون چهار نوبت گزارش پزشکی درباره وضعیت جسمانی ایشان صادر کرده و قاضی ناظر زندان نیز تأیید کرده است که وی توان تحمل شرایط حبس و انجام امور شخصی روزمره خود را ندارد.

با وجود این شرایط و تأییدهای پزشکی و قضایی، همچنان با آزادی ایشان از طریق تودیع وثیقه مخالفت می‌شود.

### **\*تداوم بازداشت و بی‌خبری از وضعیت امیرحسین رضایی**

با گذشت حدود ۱۰ روز از بازداشت امیرحسینی روزنامه نگار حوزه اقتصاد، گزارش هایی از تداوم بازداشت و بیخبری از وضعیت وی حکایت دارد.

بنابه گزارش 26 اردیبهشت فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران، آقای رضایی روز چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه توسط نیروهای امنیتی در شهر اراک گزارش و به مکان نامعلومی منتقل شد و با گذشت چند روز، چند روز از محل نگهداری و وضعیت آن در دست نیست.

به گفته برخی نزدیکان این روزنامه‌نگار، نیروهای امنیتی همزمان با وی، خانه پدری را نیز تفتیش کرده و از وسایل شخصی‌اش را ضبط کرده‌اند.

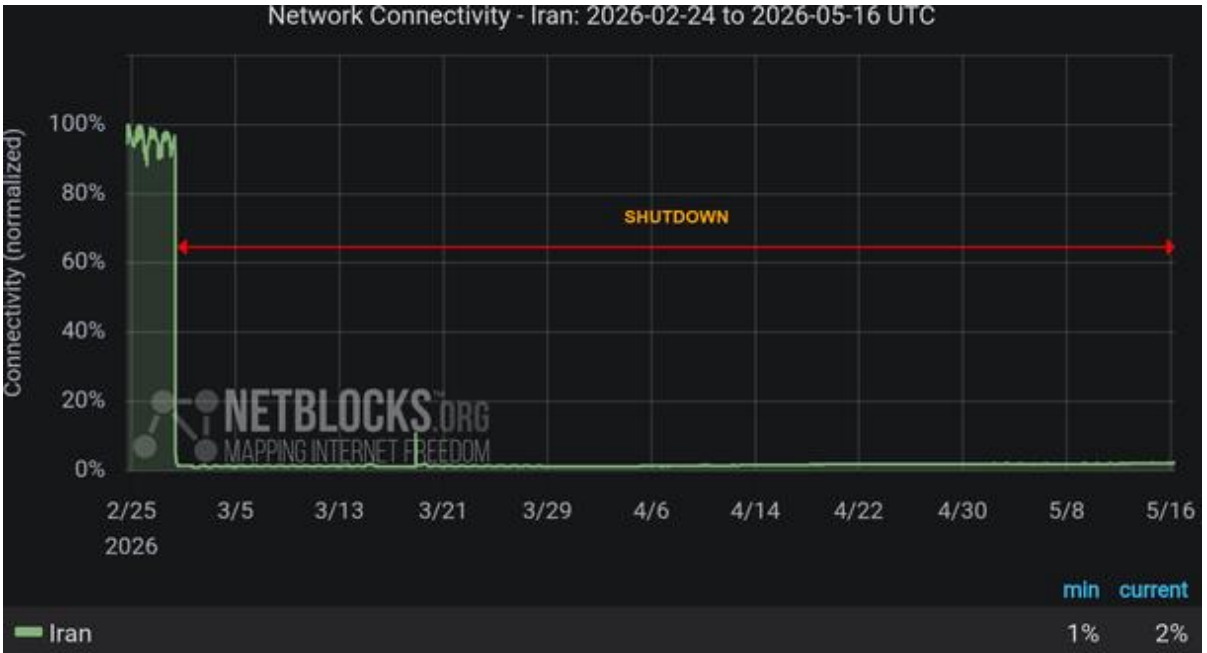
امیرحسین رضایی، دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه تهران و خبرنگار روزنامه سابق «دنیای اقتصاد» است.

ادامه حفظ و بیخبری از وضعیت این روزنامه‌نگار در شرایطی رخ می‌دهد که محدودیت‌های اینترنتی در ایران ادامه دارد و فشار نهادهای امنیتی بر فعالان رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی مستقل افزایش یافته است.

**\*نت بلاکس : قطعی اینترنت همچنان در حال فرسایش حقوق بشر، اقتصاد و آزادی‌های اساسی در مقیاسی گسترده در ایران**

روزشنبه 16 مه، نت بلاکس (NetBlocks) نهاد ناظر بر قطعی‌ها و اختلالات اینترنت در سراسر جهان اعلام کرد:

خاموشی دیجیتال در ایران تازه وارد دوازدهمین هفته خود شده و اکنون به هفتاد و هشتمین روز رسیده است. قطع اینترنت، که کشوری 90 میلیونی را برای مدتی بی‌سابقه تا حد زیادی آفلاین کرده، همچنان در حال فرسایش حقوق بشر، اقتصاد و آزادی‌های اساسی در مقیاسی گسترده است.



[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)